رسول الله صلی الله علیه وسلم شب را به اندازه ای به عبادت می ایستاد که پاهایش ترَک (وَرَم) می کرد.

از عایشه رضی الله عنها و مغیرة بن شعبه رضی الله عنه روایت است که می گویند: رسول الله صلی الله علیه وسلم شب را به اندازه ای به عبادت می ایستاد که پاهایش ترَک (وَرَم) می کرد؛ به ایشان گفتم: یا رسول الله، چرا چنین می کنی، حال آن که الله گناهانِ گذشته و آینده ات را بخشیده است؟ فرمود: «أَفَلاَ أُحِبُّ أَنْ أَكُونَ عَبْداً شَكُوراً؟»: «آیا من دوست ندارم بنده ای سپاس گزار باشم؟»

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم شب ها آنقدر نماز تهجد می خواند که پاهای مبارکش ورم می کرد؛ عایشه رضی الله عنها – با این تصور که الله را از ترس گناه و طلب آمرزش و رحمت عبادت می کند، درحالی که الله ایشان را آمرزیده و نیاز به این کارها ندارد - به ایشان گفت: یا رسول الله، چرا چنین می کنی؟ حال آنکه الله گناهان گذشته و آینده ات را آمرزیده است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به ایشان می فرماید: «آیا من دوست ندارم که بنده ای سپاس گزار باشم؟» و دلیل چنین عبادتی، شکر و سپاس بر آن آمرزش و مغفرت است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/4830